

عصر روشنگری؛ کویکرها و الغای تجارت برده در بریتانیا

فرج‌اله احمدی*

دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۰ تاریخ تصویب: ۹۲/۸/۲۷)

چکیده:

از نیمه دوم قرن هفدهم و در سراسر قرن هجدهم بیشترین حجم تجارت برده متعلق به انگلستان بوده است. در سال ۱۸۰۷م دو مجلس عوام و لردها قانون لغو تجارت برده را به تصویب رساندند. پژوهشگران برده‌داری در خصوص پایان بخشیدن به تجارت برده عوامل متعددی را بیان کرده‌اند. در این مقاله، نقش کویکرها، پروتستان ضد جنگ و برده‌داری با اهمیتی خاص بررسی شده است. در بیست سال منتهی به تصویب قانون لغو تجارت برده که شرایط اجتماعی و بین‌المللی فراهم، و بریتانیا درگیر جنگ با فرانسه بود، کویکرها به‌عنوان پیش‌گامان اصلی با بهره‌گیری از ارتباطات وسیع اجتماعی، رهبری فکری جنبش ضد بردگی را در اختیار داشتند. این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش است که چرا و چگونه کویکرها و نه متفکران عصر روشنگری، در چنین جایگاهی از رهبری جنبش ضد برده‌داری قرار گرفتند. به‌نظر می‌رسد که عوامل تعیین‌کننده هر جنبش اجتماعی، کنشگران، ارتباطات و شرایط مساعد اجتماعی و سیاسی هستند و جنبش ضد بردگی و گسترش آن در بریتانیا نیز حاصل این عوامل اساسی بود.

واژگان کلیدی:

آفریقا، آمریکا، بریتانیا، تجارت برده، کویکر، عصر روشنگری

مقدمه

اگرچه برده‌داری سابقه‌ای طولانی از عهد باستان دارد، اما در قرون جدید با کشف قاره آمریکا، تجارت برده و استفاده از کار بردگان در این قاره رونق گرفت و بر جامعه، اقتصاد و فرهنگ آفریقا، آمریکا و اروپا تأثیر چشمگیری گذاشت. از میانه قرن پانزدهم، اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها در جستجوی برده در ساحل آفریقا ظاهر شدند و تا میانه قرن هفدهم چند صد هزار برده به آمریکا، اسپانیا و عمدتاً به مکزیک و پرو آورده شد. از آن پس تقاضا برای کار بردگان در جزایر کارائیب اسپانیا افزایش یافت. کشتی‌های هلندی حامل برده در ۱۶۶۰م به کارائیب رسیدند. در قرن هجدهم کشتی‌های فرانسوی یک میلیون برده را به کارائیب فرانسه آوردند (Powell, 2008, pp.14-15, 18). در این تجارت، بریتانیا از دیگر کشورهای اروپایی پیشی گرفت و بنادر آن از جمله لیورپول، بریستول، منچستر و لندن از مراکز عمده تجارت برده شد. بردگان از سواحل غربی آفریقا به جزایر کارائیب و کلنی‌ها منتقل شده، برای کار در مزارع از آنها استفاده می‌شد. در انگلستان دو گروه تاجران و کشت‌کاران در این تجارت پرسود نقش داشتند.^۱

تا پایان قرن هفدهم، انگلستان کلنی‌های خود را در هند غربی تشکیل داده بود. در قرن‌های هفده و هجده جزایر کارائیب برای انگلستان از اهمیت زیادی برخوردار بود. باربادوس در سال ۱۶۰۵م به‌تصرف درآمد و جامائیکا که از مهم‌ترین جزایر تولید شکر بود از اسپانیا گرفته شد. بعد از اینکه در سال ۱۶۹۸م پارلمان به تاجران انگلیسی اجازه داد که به تجارت برده وارد شوند، تعداد بردگانی که به آمریکا منتقل شدند به ۲۰ هزار نفر در سال رسید. تا سال ۱۷۷۰م، ۱۹۲ کشتی تجاری بریتانیا نیمی از تجارت برده را در اقیانوس اطلس در دست داشتند. بین ۱۶۶۲ تا ۱۸۰۷م، ۳/۵ میلیون برده با کشتی‌های بریتانیا از اقیانوس اطلس گذشتند (Powell, 2008, p.19). در این میان زنان برده اهمیت خاصی داشتند. آنها افزون‌بر کارگری، کارهای خانگی و ریسندگی، با فرزندزایی نسلی را پدید می‌آوردند که زبان محلی را می‌فهمید، سابقه‌ای از گذشته نداشت، فرار نمی‌کرد و روابط نزدیک‌تری با ارباب برقرار می‌نمود. استفاده جنسی از زنان برده نیز از سوی اربابان علت توجه به آنها بود (James F. Searing, pp.53-54). تجارت برده در انگلستان با مسیر سه‌جانبه‌ای آغاز شد. کشتی‌های تجاری از بنادر بریتانیا به غرب آفریقا می‌آمدند. این کشتی‌ها با محموله برده از سواحل آفریقا به سواحل شرقی شمال

۱. نخستین تاجر برده در انگلستان جان هاوکینز بود که در اولین سفر دریایی‌اش در ۱۵۵۵م با سه کشتی به سیرالئون رسید و ۳۰۰ آفریقایی را اسیر کرد و به کلنی اصلی اسپانیا در کارائیب به سانتو دومینگو برد. در سفر دیگری ۸۰۰ آفریقایی را به عنوان برده گرفت و در قاره جدید به‌فروش رساند. او در نتیجه این تلاش عضو پارلمان شد و خزانه‌دار ناوگان سلطنتی گردید (Powell, 2008, p.19).

امریکا و هند غربی می‌رفتند، سپس از امریکا به بریتانیا بازمی‌گشتند. میان سال‌های ۱۸۰۷-۱۶۶۲، دوره‌ای که تجارت برده در بریتانیا رونق یافت، بیشتر افریقایی‌ها در مسیر اقیانوس اطلس با کشتی‌های بریتانیایی و یا کشتی‌های کلنی‌های بریتانیا حمل می‌شدند. مناطق جمع‌آوری برده در افریقا بین ۳۰۰۰ مایل تا ۴۰۰۰ مایل، در ساحل افریقا از رود سنگال در شمال که در سن لوئیس به اقیانوس اطلس می‌ریزد تا مناطق جنوبی کشیده شده بود. هیچ‌کدام از مناطق جمع‌آوری برده زیر سلطه بریتانیا نبود. بریتانیا کلنی در افریقا نداشت تا زمانی که کلنی سنگال در سال‌های ۱۷۸۳-۱۷۶۳ و کلنی سیرالئون پس از سال ۱۸۰۸م ایجاد شد. هیچ‌کدام از قدرت‌های تجاری اروپا سواحل افریقا را در اختیار نداشتند. این به آن معنی است که ساحل افریقا یک منطقه آزاد تجاری بود؛ جایی که آنها با رقبای دیگر اروپایی به چالش می‌پرداختند (Morgan, pp.12,13). این تجارت پرسود سبب شد که در پایان قرن هجدهم اروپاییان برای اینکه انحصار تجارت را در اختیار بگیرند، سعی کنند نقاط استراتژیک سواحل افریقا را تصرف نمایند. برای حمل بردگان شرکت‌هایی تأسیس شد، از جمله «شرکت سلطنتی افریقا» که در سال ۱۶۷۲م ایجاد شد و «شرکت سلطنتی ادونچر» که تا سال ۱۶۶۵م هجده قلعۀ تجاری در غرب افریقا ساخت (Powell, 2008, p.19).

از مهم‌ترین بنادر تجارت برده در انگلستان، لیورپول بود. یک نویسنده قرن هجدهم تخمین زده است که در فاصله سال‌های ۱۷۹۳-۱۷۸۳ سود خالص حاصل از حمل ۳۰۳۷۳۷ برده در ۸۷۸ کشتی لیورپول، ۱۵ میلیون پوند بوده است (Eric William, 36).^۱ قبل از پایان تجارت برده، لیورپول تعداد ۱۱۷۱۱۷۱ برده را به امریکا منتقل کرد و در ۱۸۰۷م، سالی که تجارت برده پایان یافت، این بندر ۲۶۴۱۲۰۰ پوند در تجارت برده سرمایه‌گذاری کرده بود (Richardson, p.15).

هم‌زمان با توسعه تجارت برده در انگلستان، به تدریج زمینه‌های مخالفت با تجارت برده و برده‌داری نیز فراهم شد. این مخالفت در دهه‌های پایانی قرن هجدهم به اوج خود رسید و تبدیل به جنبشی اجتماعی سیاسی شد و در ۱۸۰۷م به لغو تجارت برده انجامید. پاسخ به این پرسش که چرا تجارت برده در سال ۱۸۰۷ در امپراتوری بریتانیا، قدرتی که بیشترین حجم تجارت برده را به خود اختصاص داده بود، ملغا گردید، بخشی از مطالعات برده‌داری در غرب را در دهه‌های اخیر به خود اختصاص داده و جز در مواردی اندک همه از نگاه سفیدپوستان

۱. از دیگر شرکت‌های تجارت برده، شرکت گینه (Company of Guinea) و شرکت دریای جنوب (The south sea company) بودند که به ترتیب در سال‌های ۱۶۵۱ و ۱۸۹۷م تأسیس شدند.

نگاشته شده است.^۱ در این مقاله با اشاره به دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی الغای تجارت برده، و نسبت متفکران عصر روشنگری با جنبش ضد برده‌داری، نقش کویکرها در شکل‌گیری جنبش ضد تجارت برده در بریتانیا بررسی خواهد شد، با این دیدگاه که سه عامل مهم در شکل‌گیری این جنبش نقش اساسی داشته‌اند: نخست کنشگران که پیش‌گامان و مجریان و شرکت‌کنندگان را دربر می‌گرفت؛ دوم، روابط و ارتباطات گسترده که انسجام اجتماعی همه طبقات را فراهم می‌کرد؛ سوم زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی که دسترسی به اهداف جنبش را ممکن می‌ساخت.

چند دیدگاه درباره‌ی علل لغو تجارت برده

تا دهه ۱۹۴۰ پژوهش‌های نخستین درباره لغو برده‌داری در امپراتوری بریتانیا در مراحل اولیه بود و پژوهشگران اطلاعات کلی در اختیار داشتند. از آن پس و به‌ویژه در دهه ۱۹۶۰ در این پژوهش‌ها تغییراتی اساسی رخ داده و ابعاد مختلف این پدیده در قرون جدید که بر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سه قاره اروپا، آمریکا و آفریقا تأثیراتی عمیق بر جای گذاشته، بررسی شده است.^۲

اریک ویلیام در کتاب خود با عنوان *سرمایه‌داری و برده‌داری* که در سال ۱۹۴۴م در آمریکا منتشر شد، علت لغو تجارت برده را نداشتن سودآوری بیان کرده است. وی در این کتاب تلاش کرده است که برآمدن سرمایه‌داری صنعتی را با جنبش ضد بردگی مرتبط کند. از دیدگاه وی، هند غربی انحصار خود را در کشت و تولید شکر از دست داد و بزرگ‌ترین نقص در نظام تولیدی برده‌داری در کشتزارها این بود که به سرعت موجب «فرسایش خاک» و عدم سودآوری شد (Eric William, 152).

دیدگاه وی از سوی دیگر پژوهشگران به بحث گذاشته شد؛ از جمله سیمور درسچر^۳ که می‌نویسد، اگرچه در کشتزارهای کارائیب در هند غربی انگلستان برخی مشکلات وجود داشت که نویسنده *سرمایه‌داری و برده‌داری* بر آن تأکید می‌کند، اما در سال‌های ۱۷۷۷-۱۷۶۳ و نیز

۱. در کتاب مهمی که اخیراً به قلم یک سیاه‌پوست نوشته شده نویسنده سعی کرده است که اسنادی را از گذشته تجارت برده از زبان سیاهان جمع‌آوری کند. او خود نمی‌داند که اجداد وی از کدام‌یک از سواحل آفریقا به آمریکا آورده شده‌اند، ولی پیاده‌شدن آنها در جامائیکا برایش مسلم است. مشخصات این کتاب:

Anne, C. Balley, *African Voices of the Atlantic Slave Trade, Beyond the Silence and the Shame*, Beacon Press, 2005.

۲. برای اطلاعات بیشتر نک به تاریخ‌نگاری برده‌داری در امپراتوری بریتانیا:

Robin Winks and Wm. Roger Louis, Eds, *The Oxford History of the British Empire: Volume V: Historiography*, Oxford University Press, 1999, p. 315.

3. Seymour Drescher.

۱۷۸۳-۱۷۸۷ به میزان سهم تجارت بریتانیا در هند غربی افزوده شد. واردات بریتانیا به ارزش بیست و چهار درصد در برابر هشت و نیم درصد صادرات افزایش یافت. افزون‌براین، تعداد بردگانی که به هند غربی وارد شدند، زیاد شد. فیلیپ دی کورتین^۱ نیز در آماری نشان داده است که در سال‌های ۱۷۷۷-۱۷۸۸ تعداد بردگانی که با کشتی‌های بریتانیایی از افریقا حمل شدند، ۳۳۹۰۰۰ نفر بود و این تعداد در سال‌های ۱۸۰۷-۱۷۸۹ به ۶۵۷۰۰۰ نفر افزایش یافت. در اسچر در آمار دیگری تأیید می‌کند که تعداد بردگانی که از افریقا با کشتی‌های انگلیسی به هند غربی آورده شدند، در سال‌های ۱۷۷۷-۱۷۸۸ از ۳۳۲۰۰۰ نفر به ۷۶۷۰۰۰ نفر افزایش یافت (Morgan, 168). مورگان نوشته است کشت‌کاران، روش‌های متناوب کشت و تغییر نوع کشت را در همان کشتزارها آموختند. در سال‌های ۱۸۰۷-۱۷۹۳ اگرچه قیمت شکر جامائیکا کاهش یافت، اما این کشت ترک نشد و همچنان سودآور بود (Morgan, 168).

در پاسخ به این پرسش که اگر علت اقتصادی-چنانکه اریک ویلیام مطرح می‌کند- نمی‌تواند اساساً علت لغو تجارت برده باشد، چرا این اقدام به سرعت در سال‌های ۱۸۰۶-۱۸۰۷ انجام پذیرفت. مورگان در اثر خود، *برده‌داری و امپراتوری بریتانیا*، علت را تغییر رویکرد پارلمان و شرایط بین‌المللی آن سال‌ها می‌داند. این شرایط باعث شد که سیاستمداران لایحه لغو تجارت را در پارلمان تصویب کنند. پیت جوانتر که دوباره در سال ۱۸۰۴ نخست‌وزیر شد، با «کابینه نخبگان» در سال ۱۸۰۶ در زمان جنگ برسر کار آمد که از هر دو جناح توری و ویگ در کابینه وی حضور داشتند. این دولت جدید مصمم بود منافع ملی را در جنگ علیه فرانسه ناپلئونی حفظ کند. تعدادی از سیاستمداران هر دو جناح به لحاظ شخصی نیز بنابر ملاحظات اخلاقی مایل به لغو تجارت برده بودند؛ از جمله چارلز جیمز فاکس که به اختصار آن را جنبشی بشردوستانه خواند. کابینه پیت با اطمینان قادر به انجام این کار بود؛ درحالی که در جنگ ترافالگار پیروز شده بود (Morgan, 169).

دیدگاهی دیگر علت لغو تجارت برده و برده‌داری را خود بردگان می‌داند که آزادی آنها از طریق مقاومت و نیز شورش، همراه با تحریکات سیاسی و فرهنگی حاصل گردید. این بحث را سی.ال.آر. جیمز در مطالعه خود، *ژاکوبین‌های سیاه، توسنت لوورتور و انقلاب سانتو دومینگو*، مطرح کرده است. وی تأثیر شورش بردگان را در سانتو دومینگو بر انقلاب فرانسه و لغو تجارت برده، مهم ارزیابی می‌کند. شورش بردگان در سانتو دومینگو که در سال ۱۷۹۱م آغاز شد و به مدت دوازده سال طول کشید، به شکست نهایی سفیدپوستان محلی و دولت فرانسه در سال ۱۸۰۳م انجامید که شکل‌گیری دولت هاییتی مستقل سیاهان را به دنبال داشت. از نظر وی بورژوازی بریتانیا رقیب بزرگ فرانسه در سراسر قرن هجده بود، و فرانسه قصد داشت که

1. Philip D. Curtin.

به نفوذ آن در آمریکا خاتمه دهد. با از دست رفتن کلنی‌های سیزده گانه بریتانیا و استقلال آنها، بریتانیا در هند غربی بیشتر سرمایه‌گذاری کرد؛ درحالی که به‌اندازه کافی دارای برده بود. بنابراین لغو تجارت برده از سوی بریتانیا می‌توانست در سانتو دومینگو به فرانسه ضربه وارد کند؛ در شرایطی که برای فرانسه تولیدات آن به دو برابر رسیده بود (C. L. R. James, 50-51). دیدگاه نویسنده ژاکوبین‌های سیاه... را بر اریک ویلیام، از شاگردانش، در اثر مهم وی سرمایه‌داری و برده‌داری دنبال شد.

دیوید بریون دیویس^۱ در کتاب مسئله برده‌داری در عصر انقلاب، می‌نویسد، جنبش ضد برده‌داری «بازتاب نیازهای ایدئولوژیک گروه‌ها و طبقات مختلف بود» (Davis, 1999, p.41). از نظر وی، تحولات عمیق اجتماعی به‌ویژه با پدیدآمدن طبقه متوسط و منافع اقتصادی جدید در آمریکا و بریتانیا باعث شد که از ایدئولوژی ضد بردگی استقبال شود. این ایدئولوژی از هم‌گرایی مذهب، اندیشمندان و رویکردهای ادبی برخاست. این تحول را نمی‌توان در حد منافع اقتصادی طبقه خاصی تنزل داد، بلکه می‌توان آن را به عنوان بخشی از تحول در رویکرد به نیروی کار، اموال و مسئولیت‌های شخصی دانست (Davis, 1999, p.82).

در دهه‌های اخیر نقش زنان نیز در جنبش ضد برده‌داری بررسی شده است؛ از جمله کلر میدلی^۲ در اثر خود، زنان علیه برده‌داری، می‌نویسد که اگرچه زنان از جایگاهی رسمی در جنبش ملی ضد برده‌داری برخوردار نبودند، اما در عمل موقعیتی پیشرو را در مراحل مختلف جنبش برعهده داشتند. از باور وی، با بررسی نقش زنان، جنبه‌های مهمی از جنبش ضد بردگی در بریتانیا روشن می‌شود (Midgley, p.3-4) و نشانگر آن است که زنان نقش کلیدی در این مبارزه داشتند. شماری از آنان از اعضای خانواده رهبران جنبش ضد برده‌داری بودند. این جنبش از رابطه جامعه بریتانیا و بردگان آفریقایی در بریتانیا شکل نگرفت، بلکه به‌ویژه در روابط بین کویکرها و انگلیسی و امریکایی شکل گرفت که خود با تجارت برده سروکار داشتند و این تجارت موضوع پرسش بسیاری از «جامعه دوستان» کویکرها قرار گرفت که از موضع اعتقادی خواستار پایان‌بخشیدن به آن بودند (Midgley, p. 14).

عصر روشنگری و الغای تجارت برده

تا حدود میانه قرن هجدهم برده‌داری و تجارت برده در میان بیشتر طبقات روشنفکر و مردم موضوعی پذیرفته شده بود. در میان عوامل الغای بردگی و تجارت برده، پاسخ به این پرسش که متفکران عصر روشنگری تا چه اندازه در الغای تجارت برده و بردگی تأثیرگذار بوده‌اند،

1. David Brion Davis.

2. Clare Midgley.

مشکل به نظر می‌رسد. در پایان قرن هفدهم هابز، فیلسوف انگلیسی، در لویاتان برده‌داری را بخشی از سیستم جهانی تابعیت و قدرت دانسته، آن را به عنوان موضوعی معقول و مطلوب مطرح کرد. از نظر وی بندگی دو نوع است که بندگان در هر دو نوع، زیر سلطهٔ ارباب‌اند: برخی اسیرانی هستند که در جنگ پس از پیروزی به بردگی گرفته می‌شوند که این نوع از بندگان اموال ارباب‌اند و خرید و فروش می‌شوند و بر جسم خود مالک نیستند؛ حتی ارباب حق کشتن این نوع بندگان را دارد. دوم بندگان‌اند که با گرفتن مزد در خدمت ارباب‌اند و ارباب حقی بر آنان ندارد (Hobbes, pp. 134, 43).

جان لاک، فیلسوف لیبرال، نیز بندگان را از تئوری قرارداد اجتماعی خود مستثنا می‌کند. وی حق زندگی، مالکیت، ازدواج، انتخاب مذهب و حق آزادی را لازمهٔ همهٔ جوامع می‌داند. از نظر وی، از آن نظر که انسان‌ها دارایی خداوند هستند، نباید خود را به عنوان برده به فروش برسانند و بردگی را نتیجهٔ پیروزی در یک جنگ قانونی و شکست کسانی می‌داند که به بردگی گرفته می‌شوند (Shapiro, Iran, pp.302.315). به این ترتیب با پذیرش بردگی، درحالی که آزادی را لازمهٔ کار و تجارت موفق می‌داند، نظام استعماری و برده‌گیری را تأیید می‌کند (Anstey, p.97). لاک یکی از سرمایه‌گذاران در شرکت تجارت بردهٔ باهاما^۱ و شرکت سلطنتی آفریقا^۲ بود (Anstey, p.101).

از اندیشمندان عصر روشنگری، منتسکیو، در روح‌القوانین بردگی را توهین به آزادی دانست. از نظر وی وضع برده‌داری در ذات خود بد است؛ این نه برای ارباب سودمند است و نه برای برده. زیرا برده نمی‌تواند عملی را با انگیزهٔ خوب انجام دهد و ارباب هم با داشتن تسلط نامحدود بر بردگانش با بی‌تفاوتی خودش را با تمام خواسته‌های فضیلت‌های اخلاقی وفق می‌دهد (Morgan, 150). از نظر منتسکیو، برده‌داری قانونی نیست، زیرا بردگانی که برده زاده می‌شوند، از حقوق بی‌بهره‌اند و قانون در هر شرایطی علیه آنان است. منتسکیو در مبحث بردگی سیاهان، آنان را شایستهٔ بردگی می‌داند. او بر این باور است که بندگان از هوش کافی برخوردار نیستند. منتسکیو حتی وجود بندگان را ضروری می‌داند، چراکه «شکر در صورتی که تولید آن از سوی بندگان متوقف شود، بسیار گران خواهد شد» (Engerman, pp.21, 22). در اصل، اگرچه او برده‌داری را غیرطبیعی می‌داند، اما از بردگی مردمی خاص، یعنی افریقاییانی که صدها هزار تن از آنان در امپراتوری مستعمراتی فرانسه به کار مشغول بودند، دفاع می‌کند. تعدادی از فیلسوفان اسکاتلندی هم به تجارت برده و برده‌داری به‌طور مستقیم حمله کردند؛ از جمله فرانسیس هاجسن، آدام فرگوسن و آدام اسمیت که برده‌داری را شرایطی

1. Bahamas Company.
2. Royal African Company.

نامطلوب می‌دانند که گروهی خاص از مردم را از حق آزادی سیاسی و اجتماعی محروم می‌کند. فرانسیس هاچسن که هفده سال در دانشگاه گلاسکو تدریس می‌کرد، برده‌داری را رد کرد. هاچسن بر الزام دو جانبه مرد و زن به وفاداری و نیز همکاری و حق مساوی آنها در تربیت فرزند تأکید می‌کند و اصولی را که از بردگی دفاع می‌کند زیر سؤال می‌برد. از نظر وی هر انسانی آزاد آفریده شده است و جنگ هم نمی‌تواند بردگی مردم قلمرو تحت تصرف را توجیه کند. هاچسن برخلاف نظر لاک در *دو رساله*، آورده است که حتی با جنگ نیز پیروزمندان حق ندارند مردمی را به بردگی بگیرند. از نظر وی، در صورت جنگ و تسلط بر شکست‌خورده‌گان، گروه پیروز بر آنها حکومت می‌کند و حق محروم کردن زنان و فرزندانشان را از سرزمین مادری ندارد. آنها اموال نیستند، بلکه هر کودکی آزاد زاده می‌شود (Hutcheson, 231, 232, pp. xvi). هاچسن بر اندیشه‌های آدم فرگوسن و آدم اسمیت که شاگرد وی بودند، تأثیر گذاشت. فرگوسن در کتاب خود، *نهادهای فلسفه اخلاق*، می‌نویسد که «هیچ‌کس برده زاده نشده است، زیرا هرکس با همه حقوق خاص خود آفریده شده است. بنابراین تصور مالکیت ارباب بر برده موضوعی از نوع تعرضی ناحق است و نه حق» (Morgan, p.150).

آدم اسمیت در اثر خود، *ثروت ملل*، از ناکارآمدی و بدی برده‌داری سخن می‌گوید. وی از بی‌انگیزه بودن بردگان در انجام کار خوب و بهبود کالا سخن می‌گوید و آن را با انگیزه کارگر آزاد مقایسه می‌کند. او توضیح می‌دهد که کارگر آزاد قادر است که دارایی به‌دست آورد و علاقه‌مند است که محصول وی هر بیشتر و بهتر باشد. اما یک کارگر برده که انگیزه‌ای جز حفظ خود ندارد، اندکی تلاش می‌کند؛ درحالی که هزینه نگهداری برده برعهده ارباب است و هزینه نگهداری کارگر آزاد برعهده خود او می‌باشد (Smith, vol.II, p.366). از نظر وی «کاری که نیروی کار آزاد انجام می‌دهد در نهایت ارزان‌تر از کاری است که از سوی بردگان انجام می‌شود و نیروی کار آزاد از نظر اقتصادی ارزان‌تر از کار بردگان تمام می‌شود» (Smith, vol.I p. 81).

در میانه قرن هجدهم، ویلیام بلک استون^۱، حقوق‌دان برجسته انگلیسی که از منتسکیو متأثر بود، در کتاب خود، *شرحی بر قوانین انگلستان*، برده‌داری و به‌ارث رسیدن بردگان را رد کرد. وی برده‌داری را مغایر با عقلانیت و حق طبیعی می‌دانست. به مباحث وی به دلیل پایگاه حقوقی، توجه زیادی شده و این کتاب تا هفت سال بعد از چاپ، نوزده بار منتشر گردیده است (Morgan, 151). باین‌حال، وی در چاپ سال ۱۷۷۰م خود نوشت که باوجود اینکه حق بردگان در خاک انگلستان آزادی است، «حق ارباب او احتمالاً ادامه خواهد یافت» (Drescher,

1. William Blackstone.

101.p). در سال ۱۷۹۲م ادموند بورک، چهره برجسته سیاسی و عضو پارلمان، طرحی را برای لغو تدریجی تجارت برده مطرح نمود (Morgan, 151).

در میان متفکران عصر روشنگری، دیوید هیوم، کانت، ولتر با دیدگاه‌هایی نژادپرستانه به بردگان می‌نگریستند. هیوم در سال ۱۷۴۸م در مقاله «اخلاق، سیاست و آزادی» نوشت که من تردید دارم که سیاهان و دیگر انواع انسانی به‌طور طبیعی با سفیدها برابر باشند. هیچ مردمی متمدن‌تر از نژاد سفید نیست و دیگران از هیچ اثری تمدنی برخوردار نیستند. از باور وی، این تفاوت از طبیعت برخاسته است. ولتر با توصیف ظاهر سیاهان آنان را برخوردار از هوشی کمتر دانسته و کانت نیز با نگاهی نژادپرستانه از سیاهان سخن به‌میان آورده است (Davis, *Inhuman Bondage*, p. 75-76). به‌نظر می‌رسد که این دیدگاه‌ها زمینه‌های لازم را برای تثویز کردن نظریات نژادپرستانه در قرن نوزدهم فراهم کرد.

لوئیس سلا-مولینس^۱، استاد فلسفه سیاسی دانشگاه‌های تولوز و سوربن، در اثری که در سال ۱۹۹۲م نوشت و در ۲۰۰۶م به انگلیسی با عنوان نیمه پنهان روشنائی، برده‌داری و روشنگری در فرانسه ترجمه شد، به نقد فرهنگی رویکرد جریان روشنگری قرن هجدهم فرانسه به برده‌داری و تجارت برده می‌پردازد. وی به‌درستی معتقد است که در بیانیه حقوق بشر و حقوق شهروندی که مجلس ملی فرانسه آن را صادر کرد، بردگان مستثنا شده‌اند (Sala-Molins, p. xviii). وی یادآور می‌شود که در طلوع عصر روشنگری و در اوج آن نیز منتسکیو و روسو کلمه‌ای در محکومیت برده‌داری در اروپا نگفته‌اند و این ادعا را که روسو ربودن افریقاییان و دیگر بردگان را در جزایر آنتیل محکوم کرده است، غیرواقعی می‌داند. (Sala-Molins, p.73). کندرسه، نماینده «جامعه دوستان سیاهان» که در سال ۱۷۸۸م در فرانسه تشکیل شد، طرف‌دار لغو فوری برده‌داری نبود. از نظر او فرزندان تازه‌متولدشده تا ۳۵ سالگی، ۱۵ ساله‌ها تا ۴۰ سالگی، و بردگان بیشتر از ۱۵ سال در ۵۰ سالگی می‌بایست آزاد می‌شدند (Sala-Molins, p. xvii). سلا-مولینس با مثالی عملکرد متفکران عصر روشنگری را چنین توضیح می‌دهد: یک کشیش اسپانیایی به نام پیتر کلاور^۲ عمری را برای مراقبت از بردگان مریض و درحال مرگ گذاشت. کویکهای امریکایی که فقط مسلح به ایمان بودند و نه تئوری‌های فیلسوفانه حقوقی پرسروصدا، به‌طور مداوم برای لغو بردگی جنگیدند (Sala-Molins p.xxv).

در میان رهبران انقلاب فرانسه، ژاک پیر بریستوت، رهبر ژیروندها، که نام وی با آغاز جنگ‌های انقلاب همراه بود، در سفری به لندن در سال‌های ۱۷۸۳-۱۷۸۲م با کویکرها آشنا شد و «جامعه دوستان سیاهان» را که تأثیر وی را از کویکرها نشان می‌دهد، بنیاد نهاد که

1. Louis Sala-Molins.
2. peter Claver.

کندرسه هم عضو آن بود. وی از آن پس از کویکرهاى انگلیسى و امریکایی حمایت کرد و با مجامع ضد بردگی کویکرها در لندن، بوستون و فیلادلفیا ارتباط مداوم داشت (Richard Bessel, 139, 141-142). پتین^۱، شهردار پاریس، و نیز آبه رینال^۲ از مخالفان برده‌داری بودند.

کویکرها، پارلمان و الغای تجارت برده

کویکرهاى پروتستان که از میانه قرن هفدهم در انگلستان پدیدار شدند، به سرعت فعالیت‌های سیاسى و مذهبی خود را گسترش دادند؛ درحالی که اعضاى این فرقه تحت تعقیب بودند. آن‌ها تا پایان قرن هفدهم و آغاز قرن هجدهم، زمانی که شرایط سیاسى مساعد شد، از موقعیتی بهتر برخوردار شدند؛ به گونه‌ای که در هفتاد سال نخست پیدایش کویکریسم، گسترش آن سریع و چشمگیر بود (Adrian Davies pp. vii-viii).

برای جرج فاکس، بنیان‌گذار «جامعه مذهبی دوستان» یا کویکرها، دغدغه اصلی در درجه اول مذهب و احساس مسئولیت شخصی بود، اما وی نگران نیازهای مادی آن دسته از مردم هم بود که با تغییر نظام اجتماعى دچار مشکل می‌شدند. بنابراین عدالت، مسائل اجتماعى و اقتصادى برای وی اهمیت داشت؛ به ویژه در روزهای انقلاب انگلستان که وی جانب انقلابیون را گرفت (Ingle, p.4,6).

جرج فاکس رفتار انسانی با بردگان و آزادی آنها را پس از دوره‌ای مشخص، در صورتی که آنها وفادارانه خدمت کنند، توصیه کرد (Brycchan, p.10). او «جامعه دوستان» را سازماندهی کرد. در سال ۱۶۵۷م نامه‌ای با عنوان «به دوستان آنسوی دریا که دارای بردگان سیاه و هندی هستند» نوشت. این نامه نخستین مرجع درباره برده از قلم یک کویکر انگلیسى به بردگان در امریکا بود. اگرچه این نامه ضد برده‌داری نیست، اما اشاره می‌کند که چون همه ملت‌های روی زمین از یک ریشه‌اند، حق شنیدن پیام خداوند را دارند (Aptheker, pp. 332-33). فاکس در سفری به امریکا در سال ۱۶۷۱م در یک سخنرانی برای بردگان، اربابان را به آزادی بردگان پس از زمانی مشخص، توصیه کرده است. سال بعد کویکرها بردگان را در مراسم و گردهمایی‌های مذهبی خود شرکت دادند. پس از شورش باربادوس در سال ۱۶۷۵م، از شرکت بردگان در گردهمایی‌های کویکرها جلوگیری شد (Aptheker, pp. 333, 334). از آن پس در سال ۱۶۸۸م در جرمن تون، در پنسیلوانیا، چهار کویکر هلندی در گردهمایی ماهانه محلی کویکرها علیه کویکرهاى انگلیسى و امریکایی که به کار تجارت برده و برده‌داری وارد شده بودند، اعتراض کردند. کویکرهاى جرمن تون خرید بردگان را همچون خرید کالای دزدی محکوم کردند. از

1. Petion.

2. Abbe Raynal.

نظر آنها بردگان حق آزادی کامل داشتند (Davis, Inhuman Bondage p.126). این اعتراض به این دلیل اهمیت داشت که نه تنها بیانگر روابط خشونت‌بار ارباب و برده بود، بلکه تعدادی از کویکرهاى تاجر برده و برده‌دار را محکوم می نمود. آنها برخلاف همکیشان کویکر خود دست به این کار زده و حتی به حداقل تعهد خود به صلح طلبی پایبندی نداشته اند.

در نیمه اول قرن هجدهم، کویکرها با تشکیل گروههایی‌های سالانه در بریتانیا و در امریکا، مخالفت خود را با تجارت برده و برده‌داری ادامه دادند. «جامعه مذهبی دوستان» صلح‌طلبی را ترویج می‌کرد و مخالف جنگ در افریقا برای گرفتن برده بود. آنها بر این باور بودند که همه انسان‌ها از هر رنگ و منزلت از نگاه خداوند برابرند. این دیدگاه از زمان جرج فاکس وجود داشت. کویکرها در گروههایی سالانه لندن در ۱۷۲۷م شرکت، و تجارت برده را نهی کردند. این موضع در گروههایی‌های پی‌درپی بعدی راسخ‌تر شد؛ تاجایی که در سال ۱۷۶۱م «جامعه دوستان» خواست که اگر کسی در تجارت برده باشد از عضویت اخراج شود. از آن پس در سال ۱۷۷۲م اجتماع سالانه «جامعه دوستان» بیانیه‌ای را به‌چاپ رساند که بردگی را به عنوان نوعی از «بندگی غیرطبیعی و بی‌رحمانه» محکوم، و از لغو تجارت برده کاملاً حمایت کرد و نیز کویکرهاى امریکای شمالی از داشتن برده منع شدند (Morgan, 153).

تا حدود ۱۷۵۰م برده‌داری در میان بیشتر طبقات تحصیل‌کرده در بریتانیا پذیرفته شده بود. برده‌داری در انجیل محکوم شده بود؛ جایی که مثالی‌هایی از پذیرش برده‌داری هم در آن می‌توان یافت. چندین فیلسوف اواخر قرن هفدهم به‌روشنی وجود برده‌داری را پذیرفته بودند. قبل از ۱۷۵۰م بسیاری از مردم هم جنبه‌های نژادی برده‌داری را قبول کردند. نگرش اروپاییان و ساکنان آن در دنیای جدید نسبت به سیاهان منفی بود. تعدادی از اروپاییان رویکرد نژادپرستانه داشتند. برخی بر این باور بودند که سیاهان مغز کوچک‌تری دارند و اجداد آنان به میمون می‌رسد. برخی اعتقاد داشتند که پوست سیاه آنان را قادر ساخته است که در هوای گرم کار کنند. برده سیاه همچون اموالی بود که به تملک درمی‌آمد و نمی‌توانست یک انسان بااراده آزاد باشد. این رویکردها در کلنی‌های بریتانیا موقعیت سیاهیان را نظامی قانونی داد (Morgan, 148-149).

از نیمه دوم قرن هجدهم این تلقی نسبت به سیاهان به نحو چشمگیری تغییر یافت. در میان مردم انگلیس، متدیست‌ها در مراحل اولیه به نسبتی کمتر، و سپس انگلیکان‌ها و مهم‌تر از همه کویکرها نقشی مهم در عمومی کردن جنبش ضد بردگی داشتند. کویکرها سه اصل نیک‌خواهی، الهام، و ذات مشیت خداوندی را راهنما می‌دانستند. نیک‌خواهی به این فرمان عهد جدید اشاره دارد که کسی باید با همسایه خود به همان‌گونه رفتار کند که دوست دارد با خود وی رفتار کند. اعتقاد به مشیت الهی به این معناست که جهان در نتیجهٔ علیم و قدیر بودن

خداوند، از پیش مقدر شده است؛ بنابراین با اعتقاد به الهام، مشیت الهی آشکار می‌شود. این مشیت، آوردن صلح و فراوانی برای ملت‌هایی است که ارزش اخلاقی در آنها به روشنی دیده می‌شود و جنگ و ویرانی برای کسانی است که زشتی کرده‌اند. این اصول، بخش‌های اساسی دیدگاه جهان مسیحیت در اواخر قرن هجدهم بود و به نظر می‌رسید که به‌طور مستقیم به مشکلات بردگان مربوط می‌شد. کویکرها از این دیدگاه در خصوص برده‌داری استفاده کرده، بردگی را محکوم کردند (Morgan, 152, 153). در بریتانیا با گسترش تجارت برده، بیشتر مردم مرتبط با بردگان و تولیدات نیروی کار بردگان بودند و به تدریج بر تعداد مخالفان برده‌داری افزوده شد. در ربع آخر قرن هجدهم، مبحث بردگی در ادبیات به شکل عمومی انعکاس یافت و مخالفت با برده‌داری شکل سیاسی به‌خود گرفت. در سال ۱۷۶۴م جان نیوتون گزارش زندگی خود را به عنوان یک تاجر برده با عنوان «بخش دردناک و شرم‌آور تجارت» منتشر کرد (Brycchan, p. 108).

تأثیر جنگ‌های استقلال آمریکا از دو جهت بر تجارت برده و برده‌داری دارای اهمیت بود؛ نخست اینکه با وقوع این جنگ‌ها تجارت برده اگرچه متوقف نشد، کاهش یافت. بریتانیا با ازدست رفتن کلنی‌های سیزده‌گانه که متکی به کار بردگان بود، نیمی از کشتزارهایی را که بردگان در آن کار می‌کردند، ازدست داد. از آن پس توجهی بیش از پیش به هند غربی شد که همچون جواهری برای امپراتوری بود (Johnson, Walter 236). دوم اینکه در همین زمان، بردگان افریقایی در سراسر دنیای جدید برای دسترسی به آزادی در تلاش بودند. آنها انقلاب آمریکا را فرصتی برای طرح آزادی و برابری دیدند و شورش کردند. در سال ۱۷۹۲م بردگان در سانتو دومینگو به یک شورش خونین و سرانجام موفق علیه اربابان فرانسوی دست زدند که ترس از شورش بردگان برای برده‌داران در ایالات متحده باقی ماند. یک سال بعد از شورش سانتو دومینگو، کویکری به نام وارنر میفلین^۱ کوشید که از کنگره درخواست کند به تجارت برده پایان دهد. کویکرها آمریکا برده‌داری در جمهوری را محکوم می‌کردند و بر برادری و برابری انقلاب تأکید داشتند. در اوایل دهه ۱۸۰۰، اعضای انجمن‌های الغای برده‌داری پیشنهاد لغو تدریجی برده‌داری را ارائه دادند (Ryan P. Jordan, pp.5-6).

در سال ۱۷۸۳م با پایان جنگ‌های استقلال آمریکا، کویکرها بریتانیایی که کنشگران اصلی جنبش ضد برده‌داری بودند، دو کمیته علیه برده‌داری تشکیل دادند. گرانویل شارپ، از پیش‌گامان ضدیت با برده‌داری، به دو برده آزاد شده افریقایی، اولادا اکویان^۲ و اوتابا کوگوانو^۳،

1. Warner Mifflin.
2. Olaudah Equiano.
3. Ottobah Cugoano .

کمک کرد که حادثه کشتی زونگ را به اطلاع عموم مردم برسانند. در شرایطی که در این کشتی ۶۰ افریقایی و ۱۷ نفر به دلیل بیماری مردند، صاحب بردگان برای ۱۳۳ برده در کشتی تقاضای بیمه کرد که در این موقعیت کاپیتان کشتی همه را به دریا انداخت (Davis, Inhuman Bondage, p.234). بردگان هم موفق شدند خاطرات خود را از یک کشتی برده در اقیانوس اطلس منتشر کنند. جان نیوتون، ناخدای یک کشتی برده، نیز از رفتار وحشیانه با بردگان سخن گفت. سمبل مخالفت با بردگی، تصویری بود که برده‌ای را نشان می‌داد که در حالت زانوزدن در زنجیر است و شعار وی این است: «آیا من یک انسان و یک برادر نیستم». یک سرمایه‌دار انگلیسی نیز این تصویر را بر روی بشقاب‌ها، فنجان‌ها و جواهرات تولید می‌کرد (Blackburn, p. 139). با این تبلیغات، زمینه‌های لازم برای رویکرد منفی مردم نسبت به موضوع برده‌داری فراهم شد. اما لغو تجارت برده نیازمند تصویب پارلمان بود؛ چراکه تجارت برده با پذیرش تلویحی حکومت از میانه قرن هفدهم روتق یافته بود.

نخستین سازمان طرفداران لغو برده‌داری در می ۱۷۸۷ در لندن به نام «کمیته لندن» شکل گرفت. این کمیته مرکز ملی و هماهنگ‌کننده حرکت عمومی علیه برده‌داری شد. کویکرهايي که اکثریت این کمیته را تشکیل می‌دادند، دارای تجربه در سازمان‌های تجاری، منابع سرمایه‌گذاری، نشر و شبکه توزیع کتاب و کتابچه، گزارش‌های رسمی و نامه‌نگاری بودند. امید بر این بود که ارتباطات محلی در مناطق مختلف و درخواست‌هایی که به نمایندگان داده می‌شد، به مداخله پارلمان بیانجامد. نخستین اولویت کمیته لندن این بود که شواهد دست اولی برای ارائه به پارلمان جمع‌آوری نماید (Drescher, pp.213-214).

پیش‌گامان و اعضای کمیته لندن برای لغو تجارت برده، شماری از انگلیکان‌ها نظیر گرانویل شارپ و توماس کلارکسون بودند. کلارکسون زمانی که در کمبریج دانشجوی بود، مقاله‌ای درباره برده‌داری و تجارت نوع انسان نوشت. وی که یک نیروی تمام وقت جنبش بود، به لیورپول، مهم‌ترین بندر تجارت برده، مسافرت کرد و شواهد بسیاری را درباره شرایط بردگان در کشتی‌ها جمع‌آوری نمود و به پارلمان داد. گروه‌های محلی ضد برده‌داری در سال ۱۷۸۸م نخستن تقاضای خود را برای لغو تجارت برده به پارلمان ارائه دادند. در شهر منچستر در ۱۷۸۷م، ۱۰۶۳۹ نفر درخواستی را علیه تجارت برده امضا کردند. سال بعد این تعداد به صدهزار نفر رسید. از چهار صد هزار نفری که در سال ۱۷۹۲م درخواستی را برای لغو تجارت برده امضا کردند، حدود ۱۳ درصد جمعیت از میان مردان انگلستان، اسکاتلند و ولز بودند (Davis, Inhuman Bondage, p.235).

در جنبش ضد برده‌داری مطبوعات و زنان کویکر از نقش قابل توجهی برخوردار بودند. از جمله زنانی که در جنبش ضد برده‌داری فعال بودند، مارتا گارنی^۱ بود که تا سال ۱۷۹۱م به عنوان یک چهره فعال شناخته شد. در سال‌های ۱۷۹۴-۱۷۹۱ وی با ویلیام فاکس در نشر شانزده کتابچه سیاسی همکاری می‌کرد که از این تعداد سه کتابچه آن به تجارت برده اختصاص داشت. فاکس یک کتابفروش جزء در سال‌های ۱۷۹۴-۱۷۷۳ در انگلستان بود (Clapp, and Roy Jeffrey, woman, p55). کمبریج اینتلینجنسر^۲، یکی از روزنامه‌های مؤثر در نشر اندیشه‌های ضد برده‌داری بود که در سال ۱۷۹۳م منتشر شد. این روزنامه که توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود، در سطح وسیعی توزیع می‌شد، نمایندگان در یورک، دارتموند، کمرتون و گلاسکو داشت و در سال ۱۷۹۷م تیراژ آن به ۲۸۰۰ رسید. روزنامه فلور هم در انگلیای شرقی، جنوب و شرق میدلند، بیشتر یورکشر، بخش‌هایی از دورهام، همپشیر، غرب انگلستان، لندن، جنوب ولز و مرکز و شرق اسکاتلند توزیع می‌شد (Cora Kaplan and John Oldfield, (ed.), pp. 33-34).

«جامعه دوستان» کویکرها در بریتانیا و امریکا دارای ارتباطات نزدیک بودند. فاکس، بنیان‌گذار کویکرسم، نخستین سخنرانی‌های خود را در میان بردگان در امریکا انجام داد. نخستین شورش بردگان در جرمن تون رخ داد. در دهه ۱۷۷۰ و اوایل دهه ۱۷۸۰ چندین کویکر صاحب نفوذ امریکایی برای حمایت از این جنبش به بریتانیا آمدند که از آن جمله جان وولمن^۳ و آنتونی بنزت^۴ بودند که همکاری نزدیکی با هم داشتند. وولمن یک کویکر خیاط و کشاورز بود که جنبش ضد بردگی را حمایت کرد. وی یک بار با پای برهنه در برف ایستاد تا نمایی مشابه از بردگان مفلوکی را که در سراسر زمستان در چنین شرایطی به سر می‌برند، ترسیم کند. بنزت اصالتاً فرانسوی بود که به امریکا مهاجرت کرد. او یک چاپگر، معلم مدرسه و یک مبارز قابل احترام علیه برده‌داری بود. وی و دیگر کویکرها ناشران پرکاری بودند (Morgan p.155).

یک سال پس از شکل‌گیری جامعه لغو برده‌داری در انگلستان، گروهی از رهبران فرانسوی همچون بریسوت، میرابو و کندرسه، در سال‌های نخست انقلاب نمونه انگلیسی «جامعه دوستان سیاهان» را در فرانسه تشکیل دادند. بریسوت روزنامه‌نگار زندگی بردگان در امریکا را دیده بود. کلاستون به پاریس رفت و به این جامعه کمک مالی کرد و فرانسویان را نیز با

1. Martha Gurney.
2. Cambridge Intelligencer.
3. John Woolman.
4. Anthony Benezet.

تبلیغات ضد بردگی بریتانیا برانگیخت. کلنی‌ها «جامعه دوستان سیاهان» را جدی گرفتند؛ درحالی که تاجران برده و بازرگانان بهره‌مند از کار بردگان، با آن مخالف بودند (C.L.R.James, p. 54).

در سال ۱۷۸۸م ویلیام ویلبرفورث^۱، یک خیر ثروتمند و عضو پارلمان و دوست نزدیک پیت، لایحه‌ای علیه تجارت برده ارائه کرد و نخستین بحث داغ را بر سر پایان تجارت برده دامن زد. درحالی که ویلبر فورث بحث را در سال‌های ۱۷۹۰ و ۱۷۹۱م پی می‌گرفت و از چنین وضع اسف‌باری سخن می‌گفت، کمیته منتخب مجلس عوام شروع به جمع‌آوری شواهد و مدارک کرد (Davis, Inhuman Bondage, p.23.6).

ویلبر فورث از چهره‌های اونجلیست بود که در مبارزات پارلمانی خود برای لغو تجارت برده نقش مهمی داشت و تا سال ۱۸۳۳م یعنی سه ماه قبل از مرگش که برده‌داری در امپراتوری بریتانیا لغو شد، مبارزه وی ادامه یافت. لایحه‌های وی تا سال ۱۸۰۷م یازده بار رأی نیاورد. مخالفان عمدتاً صاحبان برده، مجالس کلنی هند غربی، کشتی‌سازان، صادرکنندگان کالا به افریقا و واردکنندگان کالا از هند غربی بودند (Piper, p. 14). وی مهم‌ترین وظیفه پارلمانی خود را لغو بردگی و تجارت برده می‌دانست و چنان‌که خود نوشت، آرزوی این بود که با لطف خداوند وسیله‌ای باشد برای توقف این کار «ناشایست و وحشیانه» که شرمساری بی‌سابقه یک کشور مسیحی را به دنبال داشته است. طرد شدن از جانب دوستان و توهین و تهدید دشمنان در عزم وی تاثیری نداشت. وی از رهبران اصلی جنبش ضد برده‌داری و لغو تجارت برده در انگلستان بود. ادموند برک، از چهره‌های برجسته سیاسی عصر وی و عضو پارلمان، که خود نیز به لغو تدریجی بردگی باور داشت، درباره وی چنین گفت: «مردی که با اعتقادی راسخ اکثریتی می‌سازد» (Piper, p. 13).

از سال‌های ۱۸۰۷-۱۷۸۸ لغو تجارت بین‌المللی برده یکی از مباحث دامنه‌دار پارلمان بود. سال به سال، مجلس عوام بر سر لایحه و مصوبه مربوط به این موضوع جناح‌بندی می‌شد. کمیته‌های پارلمان پی‌درپی شاهدان زیادی را می‌دید و مدارک فراوانی را جمع‌آوری می‌کرد. موج درخواست‌های مردم به پارلمان، تجارت برده را هدف حمله قرار داده بود (Johnson, Walter, p.238).

در سال ۱۸۰۴م جنبشی قوی از ضدیت با تجارت برده شکل گرفت؛ درست زمانی که ناپلئون قصد داشت به اعاده برده‌داری و تجارت برده برای بازسازی امپراتوری مستعمراتی فرانسه اقدام کند. در عین حال کنوانسیون در سال ۱۷۹۴م برده‌داری را ملغاً اعلام کرده بود.

1. William Wilberforce.

بازتاب چنین اقدامی در انگلستان، دشمن اصلی ناپلئون، این بود که مخالفت با برده‌داری را به یک جنبش ملی علیه فرانسه تبدیل کند (Davis, Inhuman Bondage, p.236).

بعد از مرگ پیت در ۲۳ ژانویه ۱۸۰۶، ویلیام لرد گرانویل، نخست‌وزیر، بیش از پیش متعهد به لغو تجارت برده شد. عضویت وی در مجلس لردها، جایی که لغو تجارت برده با مشکلات بیشتری همراه بود، شرایط بهتری را فراهم می‌کرد. گرانویل که برای پایان بخشیدن به جنگ با فرانسه نتیجه‌ای نگرفت، بر روی تجارت برده متمرکز شد. در همین زمان وقتی برخی از اعضای پارلمان از برده‌داری دفاع کردند، چارلز جیمز فاکس که وزیر خارجه و مخالف تجارت برده بود، پاسخ داد: «تجارت برده نمی‌تواند قانونمند شود، زیرا برای سرقت و قتل هیچ‌گونه قانونی نمی‌توان وضع کرد» (Powell, p.83).

کابینه جدید از فرصت برای لغو برده‌داری استفاده کرد. ویلبرفورث در سال ۱۸۰۶م لایحه‌ای را به پارلمان ارائه داد که از تجارت برده با قدرت‌های خارجی جلوگیری می‌کرد و این اقدامی در راستای مقابله با دیگر رقبای اروپایی و به‌ویژه فرانسه بود. این اقدام منطقی به‌نظر می‌رسید، زیرا در سال‌های ۱۸۰۷-۱۸۰۶ یک سوم بردگان که بریتانیا آن‌ها را به کارائیب می‌برد، در هند غربی فرانسه، کوبا و برزیل به فروش می‌رسید. پارلمان از اینکه با کاهش بردگان جدید با رقبای فرانسه مقابله کند، استقبال کرد. شکست متحدان بریتانیا در جنگ‌های استرلیز، و چنانچه در سال‌های ۱۸۰۵ و ۱۸۰۶م و اعمال سیستم قاره ناپلئون برای تحریم کالای انگلیسی، سیاستمداران انگلیسی را متقاعد کرد که با قطع منابع برده در هند غربی به فرانسه ضربه بزنند. برتری نیروی دریایی بریتانیا نسبت به فرانسه اعاده تولیدات بردگان را در سانتو دومینگو غیرممکن می‌کرد. به این دلیل برای مخالفان لغو تجارت برده در پارلمان تصویب یک لایحه که موقعیت دشمن بریتانیا را تهدید کند، امکان‌پذیر شد و این در بهار سال ۱۸۰۶ محقق گردید. تصویب این لایحه در دو مجلس، ۳۳ درصد از تجارت برده بریتانیا را کاهش داد (Morgan, 170-171).

ویلبر فورث درحالی که قدم‌های نهایی را برای لغو تجارت برده برمی‌داشت، در ۳۱ ژانویه ۱۸۰۷، مجموعه‌ای با عنوان «مکتوبی درباره لغو تجارت برده» را که حاوی شواهد زیادی از دو دهه گذشته بود، منتشر کرد. این لایحه در مجلس لردان با ۴۱ رأی در برابر ۲۰ رأی و در مجلس عوام با ۲۸۳ رأی در برابر ۱۶ رأی مخالف در ۲۳ فوریه تصویب شد و در ۲۵ مارس ۱۸۰۷ به تأیید جرج سوم پادشاه انگلستان رسید (Powell, 83). در این رأی‌گیری نمایندگان ایرلندی نیز اکثراً به این لایحه رأی دادند. قانون «اتحاد پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند» افزون‌بر عضویت ۱۰۰ عضو ایرلندی به مجلس عوام، ۲۸ نفر از اشراف و ۴ اسقف را از ایرلند به مجلس لردها اضافه کرد (Evans, Eric J., pp. 69-70). این قانون در اول می ۱۸۰۷ عملی

گردید و قرار شد یکصد پوند برای هر برده که در کشتی بریتانیایی یافت شود، جریمه تعیین گردد و اجرای این قانون به ناوگان سلطنتی سپرده شد (Powell, p.83). جمیز والوین، مورخ برده‌داری، تعداد کارگران برده را در جزایر بریتانیا در زمان لغو تجارت برده ۶۰۰ هزار نفر برآورد کرده است (Walvin, p.162).

نتیجه

تا میانه قرن هجدهم تجارت برده و برده‌داری فعالیتی ناهنجار نبود. مردم و حتی روشنفکران عصر آن را پذیرفته بودند و استفاده از کار بردگان در زندگی، عادی به نظر می‌رسید. در نیمه دوم قرن هجدهم، تجارت برده و برده‌داری در افکار عمومی به تدریج تبدیل به اقدامی غیرانسانی شد و به جنبشی فراگیر در انگلستان تبدیل گردید. دیدگاه‌های متفکران عصر روشنگری اگرچه از منظری کلی دربارهٔ برابری، حقوق طبیعی و حقوق بشر نگاهی مترقیانه بود و فضای پرسشگری و خردگرایی را ایجاد کرده بود، اما این اندیشمندان در چارچوب منافع بورژوازی توسعه‌طلب، عمدتاً سیاهان را از نژاد پست و از دایرهٔ حقوق انسانی خارج می‌کردند؛ به نحوی که تئوری‌های سیاسی و اجتماعی لیبرال با سیاست‌های استعماری همسو با برده‌داری و تجارت بردگان پیوند خورد. در چنین شرایطی گروه‌های مذهبی و از جمله کویکرها پروتستان که با سابقه‌ای طولانی مخالف برده‌داری بودند، کنشگران و تشکیل‌دهندگان انجمن‌ها، کمیته‌ها و هسته‌های اولیهٔ جنبش ضد برده‌داری در انگلستان شدند. گروهی کوچک که از میانهٔ قرن هفدهم شکل گرفت و در امریکا فعالیت‌های ضد بردگی را ادامه داد و حتی در فرانسه، مهد عصر روشنگری، چهره‌هایی شاخصی از انقلابیون فرانسوی را در حمایت از بردگان سیاه با خود همراه کرد؛ به نحوی که «جامعهٔ دوستان سیاهان» در پاریس تشکیل شد و حتی کویکرها از آن‌ها حمایت مالی کردند. روابط گستردهٔ کویکرها با اقشار مختلف مردم، سیاستمداران، روزنامه‌نگاران و زنان، به تدریج انسجام اجتماعی لازم را در حمایت از جنبش برده‌داری در بیست سال منتهی به لغو تجارت برده فراهم کرد. این گروه که ناشران پرکاری بودند، با بهره‌گیری از ارتباطات وسیع در سراسر انگلستان، موجی از مخالفت را برانگیختند. آنها تعدادی از بردگان آزاد شده را با خود همراه کردند و با نشر شواهد فراوان، از رفتارهای غیرانسانی برده‌داران و تاجران پرده برداشته، افکار عمومی را با خود همراه کردند. افزون‌براین، زمینه‌های اجتماعی و شرایط بین‌المللی به‌ویژه جنگ و رقابت با فرانسه و تأثیرپذیری از انقلاب امریکا، سیاستمداران انگلیسی را به تصویب قانون لغو تجارت برده متقاعد کرد. با این حال، سال‌ها به طول انجامید که در پی لغو تجارت برده، برده‌داری نیز در سال

۱۸۳۳م در سراسر امپراتوری ملغا گردید و در این مبارزه کویکرهاى ضد جنگ که هنوز هم در جهان به همین ویژگی مشهور هستند، پیشقدم بودند .

منابع و مآخذ :

1. Anstey, Peter R. (ed.) (2003), **The Philosophy of John Locke**, New Perspectives, Routledge, London, New York.
2. Aptheker, Herbert (Jul 1940), "the Quakers and Negro Slavery", **Journal of Negro History**, Vol. 25, No. 3, pp. 331-362.
3. Bales, Kevin, Zoe Todd, Alex Kent Williamson (2009), **Modern Slavery, The Secret World of 27 Million People**, oneworld publication, Oxford.
4. Carey, Brycchan (2005), **British Abolitionism and the Rhetoric of Sensibility Writing, Sentiment, and Slavery, 1760–1807**, Palgrave Macmillan, New York.
5. Davies, Adrian (2000), **The Quakers in English Society 1655–1725**, Clarendon Press, Oxford, New York.
6. Davis, David Brion, (1999), **The Problem of Slavery in the age of Revolution 1770–1823**, New York, Oxford University Press.
7. Clapp, Elizabeth J, and Jeffrey, Julie Roy (2011), **Women, Dissent, & Anti-Slavery in Britain & America 1790–1865**, Oxford University Press, Oxford, New York.
8. Drescher, Seymour (2009), **A History of Slavery and antislavery**, Cambridge University Press, Cambridge, New York.
9. Engerman, Stanley Drescher, Seymour, and Paquette, Robert, (eds). (2001), **Slavery**, New York: Oxford University Press Inc.
10. Ennals, Richard (2007), **From Slavery to citizenship**, John Wiley & son, Ltd, Wes Essex.
11. Evans, Eric J. (2004), **William Pitt the Younger**, Routledge, Taylor & Francis, 2004.
12. Ingle, H. Larry (1994), **First among friends: George Fox and creation of Quakerism**, Oxford University Press, Oxford, New York.
13. Hobbes, Thomas (1998), **Leviathan**, Oxford World's Classic, (edited by C.A. Gaskin), Oxford university Press, Oxford, New York.
14. Hutcheson, Francis (2007), **Philosophiae Moralis institution Compendiaria**, edited and with an introduction by Luigi Turco, Liberty Fund, Inc. Indianapolis, Indiana.
14. James, C. L. R. (1989), **The Black Jacobins, Toussaint L'ouverture and the San Domingo Revolution**, Second Edition, Vintage Books, New York.
15. Johnson, Walter (ed.) (2004), **The Chattel Principle internal slave trades in the Americas**, Yale University press, New Haven & London.
16. Kaplan Cora, Oldfield, John ed. (2010), **Imagining Transatlantic Slavery**, Edited and, Palgrave Macmillan.
17. Lock, John, (2003), **Rethinking the Western Tradition**, Treatise of Government and a letter concerning Toleration, Edited and with introduction by Ian Shapiro with Essay by John Dunn, Ruth W. Grant, Ian Shapiro, Yale University Press, New Haven and London.
18. Midgley, Clare, (1992), **Woman Against Slavery**, The British campaigns 1780-1870, Routledge, London, New York.
19. Morgan, Kenneth (2007), **Slavery and the British Empire from Africa to America**, Oxford University Press, New York.
20. Richardson, David, Schwarz, Suzanne and Tibbles, Anthony (ed.) (2007), **Liverpool and Transatlantic Slavery**, Liverpool University Press, Liverpool.
21. Piper, John (2006), **Amazing Grace in the life of William Wilberforce**, Grassway Books, Wheaton, Illinois.
22. Sala-Molins, Louis (2006), **Dark Side of the Light, Slavery and the French Enlightenment**, Translated and with an introduction by John Conteh-Morgan, Minneapolis, London.
23. Searing, James F. (1993), **West African Slavery and Atlantic Commerce**, the Senegal River Valley, 1700-1860, University of Illinois t Chicago Cambridge University Press, New York, Cambridge.
24. Smith, Adam (1976), **An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations**, ed. R.H. Campbell and A.S. Skinner, 2 vols (Oxford: Oxford University Press).
25. Walvin, James (1996), **Questioning Slavery**, London and New York, Routledge.
26. William, Eric (1944), **Capitalism and Slavery**, the University of North Carolina Press, Chapel Hill.